

کتاب ایوب

جلسه ۸: صحنه روی زمین

نوشته جان والتون

این دکتر جان والتون و آموزه‌های او در مورد کتاب ایوب است. این جلسه هشتم، صحنه‌ای بر روی زمین است.

مقدمه: ایوب ۱: ۵-۱، سرزمین عوص [۱:۲۶-۰۰:۲۲]

خب، حالا آماده‌ایم تا به کتاب ایوب بپردازیم. همه چیز را در مورد آن صحبت کرده‌ایم. در مورد جنبه‌های زیادی از آن صحبت کرده‌ایم و حالا آماده‌ایم تا در مورد محتوای خود کتاب صحبت کنیم. در این بخش، قرار است فقط به صحنه روی زمین، یعنی پنج آیه اول کتاب، بپردازیم. و بنابراین، ایوب به عنوان کسی از سرزمین عوص به ما معرفی می‌شود. این بدان معناست که او یک بیگانه است و از مکانی مبهم و اسرارآمیز، که به سختی در حاشیه جهان شناخته شده برای مخاطبان باستانی اسرائیلی قرار دارد، آمده است. بنابراین، او اهل این منطقه بیابانی مرموز، منطقه‌ای از صحرای سوریه، شاید مرتبط با ادوم است. منطقه‌ای که به خاطر حکمتش شناخته شده است. دوستانش هم اهل آن منطقه هستند. مثلاً ما یک تمانی داریم. او اهل تمان است. پس این منطقه در جنوب و شرق سرزمین اسرائیل قرار دارد.

پیدایش ۳۶ عوص را به عیسو مرتبط می‌کند، و باز هم این موضوع، مکان چیزها را در آن منطقه قرار می‌دهد. قدیمی‌ترین تفسیر کتاب ایوب، که در ترجمه هفتادگانی یافت می‌شود، عوص را بین ادومه و عربستان قرار می‌دهد. بنابراین، اساساً، آن منطقه. بنابراین، همانطور که اشاره کردیم، ایوب یک اسرائیلی نیست؛ او از این نظر یک بیگانه است، حتی اگر این کتاب به مسائل بنی اسرائیل بپردازد و خطاب به مخاطبان بنی اسرائیلی باشد.

شخصیت و اعمال ایوب در شرایط بحرانی [۳:۵۸-۱:۲۶]

ما در توصیف خود ایوب می‌بینیم که همه چیز به صورت افراطی ترسیم شده است. بنابراین، ایوب بی‌عیب و نقص است. کلمه عبری «□□□□» و او «□□□□□□□□□□» است. این دو به ترتیب به شخصیت و اعمال او اشاره دارند. و بنابراین، در اینجا کسی را داریم که از هر نظر وفادار است. او مردی درستکار است. هیچ سرزنش یا گناهی با او همراه نیست. او کسی است که مطابق انتظارات خدا رفتار می‌کند و از لطف خدا برخوردار است. اگر به دنبال کلمات متضاد برای توصیف ایوب باشیم، به دنبال کلماتی مانند کسی که گناهکار اعلام می‌شود یا شرور تلقی می‌شود، یعنی تحت محکومیت قرار دارد، می‌گردیم. ایوب این چیزها نیست. کلماتی که او را توصیف می‌کنند، متضاد این کلمات هستند.

در عین حال، اینها سخنانی دال بر کمال بی‌گناهی نیستند. ایوب از نظر رفتار در قلمرو الهی نیست، اما بهترین چیزی است که یک شخص می‌تواند باشد، بهترین چیزی که یک انسان می‌تواند باشد.

او از خدا می‌ترسد، کلمه خدا در اینجا الوهیم است، نه یهوه. بنابراین، او از الوهیم می‌ترسد. این بدان معناست که او را بر اساس آنچه از او می‌دانیم جدی می‌گیرد. ما افراد دیگری را در خارج از اسرائیل داریم که اینگونه توصیف شده‌اند. به عنوان مثال، ملوانان در کتاب یونس به عنوان کسانی که از خدا می‌ترسند توصیف شده‌اند. و این بر اساس اطلاعات کمی است که آنها از او دارند. حتی در کتاب پیدایش، ابیملک در مقایسه با ابراهیم که رابطه شخصی با یهوه دارد، اینگونه توصیف شده است. بنابراین، همه این اصطلاحات، ایوب را در بالاترین جایگاه ممکن به تصویر می‌کشیدند. و باز هم، ما به استفاده از افراط و تفریط برای توصیف چیزها اشاره کرده‌ایم.

دارایی‌های ایوب در اوج [۴:۵۸-۳:۴۶]

حالا دارایی‌ها و جایگاه او نیز در قلمرو ایده‌آل قرار دارد. آنها لزوماً ساختگی نیستند، اما همه چیز عظیم است. بنابراین، اینها کلیشه‌هایی از تعداد گاو، تعداد شتر، تعداد گوسفند و بز هستند، همه چیز به صورت ایده‌آل به تصویر کشیده شده است. او با بالاترین استانداردهای ممکن به موفقیت و رفاه دست یافته است. و بنابراین، دوباره به این ترتیب، ما افراط و تفریط‌هایی را به تصویر کشیده‌ایم. البته فقط به این دلیل که آنها افراط هستند به این معنی نیست که درست یا دقیق نیستند. اما باید توجه داشته باشیم که افراط و تفریطها بسیار مهم هستند به طوری که آن پاسخ‌های آسان را از روی میز کنار می‌گذارند. بنابراین، در اینجا توصیف ایوب را داریم.

تقوای ایوب: اعمال آیینی [۴:۴۶-۶:۲۴]

حال، آنچه مسلماً جذاب‌ترین این مسائل است، مسئله تقوای اوست. در آیات چهار و پنج، صحنه‌ای برای ما توصیف شده است که ظاهراً پسران و دخترانش برای جشن تولد یا ضیافت‌هایی از این قبیل دور هم جمع می‌شدند. ایوب این مراسم را داشت که بعداً انجام می‌داد. این زمینه‌ای است که به این احتمال بیرونی اشاره می‌کند که نوعی تخلف رخ داده است. اگر آیات را بخوانیم، می‌گوید: «پسرانش در روز تولدشان در خانه‌هایشان جشن می‌گرفتند. و سه خواهرشان را دعوت می‌کردند تا با آنها غذا بخورند و بنوشند. وقتی دوره ضیافت تمام می‌شد، ایوب ترتیب تطهیر آنها را می‌داد. صبح زود، برای هر یک از آنها قربانی سوختنی قربانی می‌کرد و فکر می‌کرد: «شاید فرزندانم گناه کرده و خدا را در دل خود نفرین کرده‌اند.» این رسم همیشگی ایوب بود.» بنابراین، ما این عمل را می‌یابیم. همچنین در همین ضیافت است که سرانجام در فصل اول، آیات ۱۸ و ۱۹، مرگشان فرا می‌رسد. آنها در واقع در حال ضیافت هستند که خانه بر سرشان فرو می‌ریزد و آتش می‌گیرد و جان خود را از دست می‌دهند. ایوب نگران است که شاید آنها در دل خود خدا را نفرین کرده‌اند.

کودکانی که «در دل خود» نفرین می‌کنند [۶:۲۴-۷:۰۷]

حال، این ایده «در دل هایشان»، وقتی آن را در مورد یک فرد به کار می‌برید، به افکار خصوصی اشاره دارد. اما این در مورد آنها به عنوان افراد نیست. این در مورد گردهمایی‌های شرکتی آنها، ضیافت‌هایشان است. وقتی گروهی از مردم بخشی از صحنه هستند، می‌تواند به تفکر شرکتی یا به اشتراک‌گذاری محرمانه اشاره داشته باشد و ما در تنبیه مواردی مانند تنبیه ۸:۱۷، ۱۸:۲۱ و به همین ترتیب، مزمور ۷۸:۱۸ را می‌یابیم که در آنها ایده «در دل هایشان» به یک گفتگوی شرکتی اشاره دارد که در آن اتفاق می‌افتد.

لعنت/متبارک باد خدا [10:59-7:07]

همچنین، وقتی می‌گوید «در دل خود خدا را لعنت کردند»، از کلمه عبری «لعنت» استفاده نمی‌کند. از کلمه عبری «برکت» استفاده می‌کند. بنابراین، این یک استفاده‌ی حسن تعبیری از «برکت» است. قرار دادن کلمه «لعنت» و خدا در کنار هم، بی‌سلیقه تلقی می‌شد. و بنابراین، آنها از «خدای متبارک» استفاده کردند. بنابراین، این «در واقع می‌گوید که شاید «آنها خدا را در دل خود متبارک کرده‌اند». حال، این تنها اولین مورد از تعامل زیاد بین برکت و نفرین در این فصل‌های اولیه‌ی ایوب است. بنابراین، در ۱.۱۱، و همچنین در ۲.۵، پیشنهاد می‌شود که ایوب، خدا را رو در رو لعنت کند، یعنی خدا را لعنت کند، برخلاف ترس‌هایی که ایوب داشت، از اینکه فرزندانش ممکن است خدا را در دل خود برکت دهند یا لعنت کنند. در عوض، ایوب واقعاً خدا را برکت می‌دهد، نه خدا را لعنت کند، اگرچه این همان فعلی است که چالشگر پیشنهاد کرده بود. همسر ایوب او را ترغیب می‌کند که خدا را لعنت کند. باز هم، فعل این است که خدا را آشکارا برکت دهد/لعنت کند و در فصل دوم، آیه نهم بمیرد. ایوب پس از آن دور دوم با دعای خیر برای خدا پاسخ نمی‌دهد، اما او خدا را نفرین هم نمی‌کند. در عوض، روز تولدش را، نفرین می‌کند. این را در فصل سوم می‌بینیم. فراتر از این کاربرد خاص اصطلاحات در ایجاد یک بن‌مایه ادبی، چارچوب روایی زیربنایی نیز باید هنگام تفکر در مورد چگونگی عملکرد این کلمات در نظر گرفته شود. در روایت، به یاد داشته باشید که خدا ایوب را با فرزندان و دارایی در فصل اول، آیه ۱۰ برکت داده است. نه تنها این، بلکه خدا با ستایش ایوب نزد چالشگر، او را به صورت شفاهی برکت داده است. گاهی اوقات یک برکت با ستایش محقق می‌شود. ماهیت آن برکت شفاهی، برکت دادن ایوب در مقابل چالشگر، به یک معنا به یک نفرین تبدیل می‌شود، زیرا مبنای چالشی قرار گرفت که منجر به از دست دادن رفاه مادی ایوب شد. البته در نهایت، خدا آن نعمت مادی را با نزدیک شدن به پایان کتاب بازمی‌گرداند. بنابراین، تضاد لعنت-برکت به عنوان عنصر مهمی از یک بن‌مایه در کتاب مطرح می‌شود. حال، لعنت کردن خدا دقیقاً مستلزم چه چیزی است؟ این چگونه به نظر می‌رسد؟ لعنت کردن خدا را می‌توان به روش‌های مختلفی تصور کرد. استفاده از نام خدا و یک سوگند بی‌معنی یکی از این روش‌ها خواهد بود. استفاده از نام خدا همراه با بیان کلمات قدرتمند. بنابراین، یک طلسم یا چیزی شبیه به آن. استفاده از کلمات قدرتمند علیه خدا، به شکلی مانند یک طلسم. حتی صحبت کردن به شیوه‌ای تحقیرآمیز، توهین‌آمیز یا افتراآمیز در مورد خدا، اساساً توهین به خدا. تحقیر خدا با بیان ضمنی یا صریح

اینکه خدا قادر به انجام کاری نیست، یا اینکه خدا در اعمال یا انگیزه‌های خود فاسد است، اینکه خدا نیازهایی دارد، یا اینکه می‌توان خدا را دستکاری کرد و او را از خدا پایین‌تر آورد، حال، مسلماً ایوب برخی از این موارد را در اتهامات خود علیه خدا انجام می‌دهد، اما او خشم خود را ابراز می‌کند نه تحقیر. و همانطور که بعداً در مورد آن صحبت خواهیم کرد، او همچنان صداقت خود را حفظ می‌کند. شاید بهتر باشد که نفرین کردن خدا را به عنوان انکار تحقیرآمیز، انکار و نادیده گرفتن افتخارات مناسب در نظر بگیریم. و البته، ایوب این کار را نکرد.

رفتارهای آیینی ایوب، خدا به عنوان حقیر [۱۴:۵۲-۱۰:۵۹]

مهم‌ترین نکته در کل این صحنه، تلاش برای درک رفتار آیینی ایوب است. آنچه ایوب انجام می‌دهد، نه چندان نشان‌دهنده‌ی نظر او در مورد فرزندانش، بلکه بیشتر نشان‌دهنده‌ی نظر او در مورد خداست. این صحنه در آیات یک تا پنج، چه چیزی در مورد نظر ایوب در مورد خدا به ما می‌گوید؟ ایوب در حال بررسی این احتمال است که ممکن است پسران و دخترانش در متن ضیافت، اظهارات نسنجیده و نه چندان تحسین‌آمیزی بیان کنند و خداوند از چنین اظهارات نسنجیده و نه چندان تحسین‌آمیزی رنجیده خاطر شود.

علیرغم شاید حتی نیت‌های معصومانه‌ی گوینده، می‌دانیم که این یک احتمال واقعی در دنیای باستان محسوب می‌شد. ما یک قطعه‌ی آشوری به نام «دعا برای هر خدایی» داریم. و در آن، عبادت‌کننده بسیار نگران است که ظاهراً از تجربیات منفی رنج می‌برد. این دعا سعی دارد برای یافتن راحل تلاش کند. او می‌گوید: «اگر من سهواً روی مکانی قدم گذاشته‌ام که برای خدای من یا الهه‌ی من یا خدایی که نمی‌شناسم یا الهه‌ای که نمی‌شناسم مقدس است. اگر شاید کلمه‌ای را گفته‌ام که برای خدای من یا الهه‌ی من یا خدای واقعی که نمی‌شناسم یا الهه‌ای که نمی‌شناسم توهین‌آمیز است.» و او این لیست کامل از کارهایی را که ممکن است سهواً انجام داده باشد و ممکن است خدای او یا الهه‌اش یا خدایی که نمی‌شناسد یا الهه‌ای که نمی‌شناسد را آزرده خاطر کرده باشد، مرور می‌کند. بنابراین می‌توانیم ببینیم که دعایی مانند این، بیانگر این ایده است که خدایان می‌توانند بسیار حقیر باشند. آنها می‌توانند چیزهایی را مطالبه کنند که انسان‌ها هیچ راهی برای دانستن آنها ندارند. شخصیت و رفتار ایوب بی‌عیب و نقص است. اما به نظر من، این دو آیه در مورد تقوای آیینی ایوب نشان می‌دهد که دیدگاه او نسبت به خدا ممکن است ناقص باشد. این نشان می‌دهد که او ممکن است خدا را حقیر بداند.

این نوع بیان است که راه را برای چالش با او توسط چالشگر باز می‌کند. اگر ایوب تمایل دارد که خدا را کوچک بداند، ممکن است آماده باشد که اینطور فکر کند که همه چیز در واقع مربوط به منافع است و به خودی خود مربوط به عدالت نیست. این در مورد تلاش برای راضی کردن خدایی است که به راحتی رنجیده می‌شود.

بنابراین، من تمایل دارم فکر کنم که آیات چهار و پنج در فصل اول در واقع بخشی از توصیفات مثبت ایوب نیستند. در واقع نشان می‌دهد که ضعف زره او کجا می‌تواند باشد، اینکه او از قبل در مورد خدا به عنوان یک موجود کوچک فکر می‌کند. و واقعیت این است که در سخنرانی‌هایش، این موضوع دوباره مطرح خواهد شد و او این چیزها را صریح‌تر بیان خواهد کرد.

خلاصه ایوب ۱: ۵-۱ [۵۲:۱۴-۱۹:۱۵]

بنابراین، در آیات اول تا چهارم، زمینه‌ای برای ادامه روایت داریم. ما در مورد ایوب که از سرزنش مصون است، آموخته‌ایم. همچنین آموخته‌ایم که در زره او شکافی وجود دارد و می‌توان از آن سوءاستفاده کرد. وقتی صحنه در بهشت آغاز می‌شود، اطلاعات بیشتری در مورد آن خواهیم یافت.

این دکتر جان والتون و آموزه‌های او در مورد کتاب ایوب است. این جلسه هشتم، صحنه‌ای بر روی زمین است

[15:19]